



University of Tehran

The Ontology of the “Origin of Religious Disagreement and Plurality” and Its Epistemic Analysis

Zakiye Asadi^{1*} | Ahmad Abedi Arani²

1. Corresponding Author, Department of Philosophy of Religion, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran. Email: asadi42@gmail.com

2. Department of Philosophy of Religion, Faculty of Theology, University of Qom, Qom, Iran. Email: ahmadabedi@yahoo.com

ARTICLE INFO

Article type:
Research Article

Article History:
Received October 19, 2022
Revised January 11, 2023
Accepted January 15, 2023

Keywords:
history of religions,
ontology of religious disagreements,
epistemology of religious
disagreements,
social rebellion,
religious diversity,
problem of the criterion

ABSTRACT

Knowledge of the quiddity and origin of religious disagreements is highly effective on our theoretical and practical stance to the religious diversity question. However, as confessed by the formal sources of religion history, the question of religious origin and – consequently – religious disagreement goes back to pre-historic era and is beyond human thought. Nonetheless, the adoption of author-oriented realism to the noble Qur’ān can help attain recurrent and realistic reports about the first religious disagreements. Thus, this study set out to explore ontologically the first religious disagreements and the factors effective on their creation through a descriptive-analytical method in order to answer the question about the quiddity of religious disagreements that lead to religious multicity and then plurality as well as to determine their reason/origin. Based on the findings of this study, the reality of religious diversity is “religious disunity,” and the most important non-epistemic source of religious division is “social rebellion” that is based on individual non-epistemic factors such as corruption and tyranny (oppression), envy and supremacy-seeking (magnanimity) and whose epistemic factors are provided by the members of an influential and powerful group in the society. They do this in the form of pseudo-rational justifications derived from jahd (denial after knowledge) and shakākiyyat (doubt after knowledge) toward the epistemic principles of religion via the trick “distorting the criteria of rationality and knowledge.” This widespread ignorance is done against the divine will, rule, and satisfaction, but under God’s knowledge, destiny, and providence. The analysis of the foregoing perception is the presentation of theories about the truthfulness and saving capability of religions that – according to the recurrent realities of history – regard the gradation levels of the divine religion, is aligned with the intermediate position, and prescribes a dynamic and perfect religiosity.

Cite this article: Asadi, Z.; Abedi, A. (2023). The Ontology of "Origin of Religious disagreement and plurality" and its epistemological analysis. *Philosophy of Religion*. 19 (4), 473-488. Doi: 10.22059/jpht.2023.350118.1005933



© The Author(s).

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.350118.1005933>

Publisher: University of Tehran Press.



دانشگاه تهران

نشریه فلسفه دین

شاپا الکترونیکی: ۶۲۳۳-۲۴۲۳

سایت نشریه: <https://jpht.ut.ac.ir>

هستی‌شناسی «منشأ اختلاف و تکثر دینی» و تحلیل معرفت‌شناختی آن

زکيه اسدي* | احمد عابدي آراني^۲

۱. نویسنده مسئول، گروه فلسفه دین و مسائل جدید کلامی، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: asadi42@gmail.com

۲. گروه فلسفه و کلام، دانشکده الهیات، دانشگاه قم، قم، ایران. رایانامه: ahmadabedi@yahoo.com

اطلاعات مقاله

چکیده

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخ‌های مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۷

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۱۰/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۰۹

کلیدواژه:

بنی اجتماعی،

تاریخ ادیان،

تنوع ادیان،

معرفت‌شناسی اختلاف دینی،

مسئله معیار،

هستی‌شناسی اختلاف دینی.

آگاهی از چیستی و منشأ اختلافات دینی، بر موضع نظری و عملی ما نسبت به مسئله تنوع دینی بسیار مؤثر است. اما به اعتراف منابع رسمی تاریخ ادیان، موضوع منشأ دین و به تبع آن منشأ اختلاف دینی، متعلق به ماقبل تاریخ و فراتر از اندیشه بشری است. درحالیکه با رویکرد واقع‌گرایی مؤلف‌محور به قرآن کریم می‌توان گزارش‌هایی متواتر و واقع‌نما از اولین اختلافات دینی به دست آورد. از این منظر، پژوهش حاضر با هدف واکاوی هستی‌شناختی نخستین اختلاف‌های دینی و عوامل پیدایش آنها با روش توصیفی-تحلیلی به این مسئله می‌پردازد که ماهیت اختلافات دینی که به تعدد و سپس تکثر دین می‌انجامد، چیست و علت/منشأ آنها چگونه تبیین می‌شود؟ براساس یافته‌های پژوهش حقیقت تنوع دینی، «تفرق دین» است و مهم‌ترین منشأ غیرمعرفتی تفرق دین «بنی اجتماعی» است که از سویی بر بستر عوامل غیرمعرفتی فردی چون فساد و ستمگری (ظلم)، حسادت و برتری‌جویی (علو) سامان یافته و از سوی دیگر عوامل معرفتی آن توسط گروهی از طبقه متنفذان و اعیان جامعه، در قالب توجیهات شبه‌عقلانی ناشی از جحد (انکار پس از علم) و شکاکیت (تردید پس از علم) نسبت به ارکان معرفتی دین، با حربه «تحریف معیارهای عقلانیت و معرفت» فراهم شده است؛ این جهالت گسترده، خلاف اراده، حکم و رضایت الهی، اما ذیل علم، قدر و قضای الهی صورت گرفته است. نتیجه دریافت مذکور، طرح نظریاتی درباره حقایق و نجات‌بخشی ادیان است که مطابق واقعیات متواتر تاریخ، ناظر بر مراتب تشکیکی دین الهی، هماهنگ با آموزه امر بین‌الامرین و تجویزگر دینداری پویا و متکامل باشد.

استناد: اسدی، زکيه؛ عابدي آراني، احمد. (۱۴۰۱). هستی‌شناسی «منشأ اختلاف و تکثر دینی» و تحلیل معرفت‌شناختی آن. *نشریه فلسفه دین*. ۱۹ (۴): ۴۷۳-۴۸۸.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.350118.1005933>

ناشر: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.

© نویسندگان.

DOI: <http://doi.org/10.22059/jpht.2023.350118.1005933>



۱. مقدمه

مباحثات و مناقشات دربارهٔ اختلافات دینی، بخش چشمگیری از پژوهش‌ها و نوشته‌های دین‌پژوهی تطبیقی، الهیات مدرن و فلسفهٔ دین را به خود اختصاص داده است. اندیشمندان غربی ضمن بحث‌های معرفت‌شناختی دربارهٔ حقانیت یا بطلان نظرهای مختلف در ادیان متعدد فعلی، نظریه‌های مشهوری چون حصرگرایی^۱، شمول‌گرایی^۲ و کثرت‌گرایی دینی^۳ با تقریرهای مختلف را به‌عنوان «نظریه‌های تنوع دینی» مطرح کرده‌اند. همچنین آثاری در خصوص «اختلاف‌نظر دینی» به رشتهٔ تحریر درآمده است که اغلب از منظر معرفت‌شناختی یا اخلاقی به تحلیل این پدیده می‌پردازند. اما هستی‌شناسی اختلاف دینی که پس از پذیرش وجود اختلافات دینی منجر به تعدد و تکثر دین در قالب قضیهٔ هلیهٔ موجهه بسیطه، ماهیت و سرّ پیدایش نخستین اختلافات دینی را در قالب قضایای هلیهٔ مرکبه مورد طرح و بحث قرار دهد، کمتر مورد توجه بوده است.

این پژوهش ابتدا بر هستی‌شناسی پدیدهٔ اختلاف دینی متمرکز است و مدارک و منابع معتبری را که حاوی واقعیاتی از گذشته دربارهٔ اختلاف، تعدد و تکثر دین است، جست‌وجو می‌کند و توصیفی تا حد امکان واقعی^۴ از آنچه رخ داده است، ارائه می‌دهد و در مرحلهٔ بعد منشأ این پدیده را واکاوی کرده و تحلیل معرفت‌شناختی می‌کند.

۲. بیان مسئله

از نظر پدیدارشناسی، اختلاف و تعدد دین عبارت است از این واقعیت که تاریخ ادیان نمایانگر تعدد سنت‌ها و اختلاف فروع هر یک از آنهاست (Hick, 1987, Vol.12: 331). اما پیش از تعیین موضع خود در مواجهه با اختلاف دینی، باید بدانیم که مفهوم عام اختلاف دینی منجر به تعدد و تکثر دین دقیقاً چیست؟ و با کدام وصف خاص قابل روایت است؟ آیا «تنوع» مطلوب برخاسته از تغییر و تکامل نوع طبیعی انسان، معادل Religious diversity و موافق با ارادهٔ الهی است و پذیرش آن به کشف پاره‌ها و لایه‌های حقیقت توسط مکاتب مختلف منتهی می‌شود و راه مواجهه با آن، کثرت‌گرایی و پلورالیسم معرفتی است؟ یا معادل Religious difference به معنای «تفاوت» ناگزیر ناشی از ارادهٔ آزاد انسان و نتیجهٔ منطقی تفاوت فهم و عقل انبای بشر در نظام مادی است؟ یا معادل Religious division یک «تفرقه» غیرطبیعی و تحمیلی در مقابل سیر تکامل آدمیان و نتیجهٔ اراده‌های معطوف به باطل بوده و دارای تأثیرات منفی است و به انحراف برخی انسان‌ها از حقیقت و سعادت منتهی شده است؟ برای رسیدن به پاسخ این پرسش‌ها نمی‌توان به پدیدارشناسی امید بست. پس به‌ناچار باید فراتر از پدیدارشناسی، به تحلیل ماهوی و واقع‌گرا دربارهٔ اختلاف و تعدد دین بپردازیم و در این مسیر لازم است به شواهد و مدارک ناظر بر واقع دست یابیم. بنابراین مسئلهٔ پژوهش حاضر این است که ماهیت نخستین اختلافات دینی که به تعدد و سپس تکثر دین می‌انجامد، چیست و علت/منشأ آنها چگونه تبیین می‌شود؟

اهمیت مسئلهٔ مذکور از آن حیث است که موضع‌گیری ما در قبال سرّ پیدایش اختلافات دینی و تعدد ادیان، سرنوشت دیدگاه ما دربارهٔ بهرهٔ ادیان گوناگون از حقیقت را به‌کلی تغییر می‌دهد. اگر پیدایش تعدد و تکثر دین در طول تاریخ، ناشی از عوامل معرفتی و غیرمعرفتی مثبت و خیر و مطابق خواست و رضایت الهی باشد، به‌عنوان یک خداگرا می‌توان این پدیده را با همهٔ لوازم و پیامدهای فرهنگی، اجتماعی‌اش، مشروع و معقول شمرد و سپس لازمهٔ عدل الهی را بهره‌مندی همگان از حقانیت و نجات دانست. چنانکه برخی به این راه رفته و بر این باورند که نه تنها حقانیت و نجات منحصر به ادیان الهی نیست، بلکه تنوع و اختلاف طرق اعطای آن به آدمیان، لازمهٔ عدالت الهی است (قربانی، ۱۴۰۰، چکیده). اما اگر اختلاف و تعدد دین، ناشی از عوامل منفی و شر و خلاف مشیت و رضایت الهی باشد، اتخاذ روشی دیگر در مواجههٔ معرفت‌شناسانه با این پدیده لازم می‌آید.

1. Exclusivism
2. Inclusivism
3. Pluralism
4. Factual

۳. مبانی نظری و روش پژوهش

فقدان منابع مکتوب گزارشگر واقع درباره نحوه پیدایش و تکثر دین و نیز رواج رویکرد تاریخی‌گری در مواجهه با متون دینی، مورخان برجسته دین را ناچار کرده است تا روند تحقیقات درباره منشأ دین و تاریخ اختلافات دینی را ناتمام بگذارند (Eliade, 1964: 154-168) بر همین اساس جان بویور ناس در کتاب معروف *تاریخ جامع ادیان* به صراحت اعتراف می‌کند: «فکر بشر هنوز معمایی منشأ دین را حل نکرده است» (ناس، ۱۳۸۷: ۱۱). از این منظر مسئله «منشأ دین» جزء موضوعات پیشاتاریخ و قبل از اختراع خط یا سامانه نوشتاری است. پس به‌نحو اولی مسئله «منشأ اختلاف دینی» نیز در هاله‌ای از گمانه‌زنی و ابهام باقی مانده است.

راه‌حل کشف حقایق پیشاتاریخ مانند چپستی و منشأ اختلاف دینی، رجوع به کتاب‌ها، مدارک و شواهد فرابشری و فراتاریخی به‌مثابه منابع تاریخ ادیان است. با این همه بیشتر کتب مقدس ادیان حتی آنها که آسمانی دانسته می‌شود، «روایت سوم شخص» درباره واقعیت غایی و صفات و افعال اوست و علاوه بر تعدد نسخ و اختلاف در شمار کتاب‌ها و فقدان پاره‌ای از محتوای آنها در طول تاریخ، ممکن است در برخی فقرات به عمد یا سهو، تطابقی میان ذهن و زبان راوی آنها با حقیقت خارجی نباشد (ر.ک: نصیری، ۱۳۸۶: ۵۹؛ پورجوادی، ۱۳۶۴: ۳۷؛ معتمدی، ۱۳۸۳: ۲۵۳-۲۵۵؛ هشترودی، ۱۳۸۸: ۱۱۸). در این میان، قرآن کریم تنها کتابی است که به‌عنوان «سخن خدا» در دست بشر است و روایت اول شخص^۱ و فراتاریخی^۲ از خداوند، درباره اسماء، صفات، افعال و مخلوقات خویش است. قوت مضامین قرآن به‌گونه‌ای است که شواهد تجربی جدید هم نتوانسته است صحت هیچ‌یک از مطالب علمی و تاریخی آن را با قطعیت رد کند و بلکه در بسیاری از موارد پیشگویی‌های قرآن را تصدیق کرده و اعجاز فراوانی حتی در عدد و آهنگ حروف و کلمات آن یافته است (ر.ک: بوکای، ۱۳۶۴: ۲۷-۳۰). همچنین تمام متن قرآن در تمام طبقات و نسل‌ها «متواتر لفظی» است که سبب وثاقت و اعتبار محتوای آن نزد همه عقلاست (ساکو و شاکر، ۱۳۹۵: ۸۹-۱۰۰).

با نظر به این امتیازها، می‌توان سرگذشت انبیا در قرآن را روایت واقع‌نما و مستقیم تاریخ دین از زبان خدا دانست که کاملاً متمایز از اسطوره‌های نمادین و یا افسانه‌های دروغی است، بلکه حوادث تاریخی گزارش شده در قرآن بنا به اصل اولی، عینیت خارجی دارد و به هویات جهان خارج قابل ارجاع است و احتمال ثانوی در تمثیلی بودن برخی از فقرات آنها نیز تنها با استناد به قرائن کافی اثبات‌شدنی است. بنابراین «واقع‌گرایی» نسبت به قرآن، رویکرد معرفت‌شناختی مثبت در برابر ناواقع‌گرایی است که توصیف‌های قرآنی ناظر بر جنبه‌های مشاهده‌پذیر و مشاهده‌ناپذیر جهان را مطابق با واقعیت مورد احاطه الهی و باورپذیر می‌داند. «مؤلف‌محوری» در خصوص قرآن نیز رویکرد هرمنوتیکی ویژه، ناظر بر فهم «متن فرابشری» است که توسط خداوند به‌عنوان «مؤلف حی متصرف» پدید آمده است و هیچ‌گاه مستقل از تأثیر او نیست. در چنین متنی همه اجزای مؤثر در فهم از جمله ویژگی‌های متن، مفسر، محیط و ... ممکن است تحت تأثیرات و تصرفات فرارسانی و فراتاریخی مؤلف قرار گیرد (ر.ک: اسدی، ۱۳۸۸: ۳۶-۳۷).

بر این اساس، مسئله پژوهش حاضر با رویکرد «واقع‌گرایانه مؤلف‌محور» نسبت به قرآن قابل پاسخگویی است. از این رو علاوه بر اینکه قرآن مهم‌ترین سند مکتوب مسلمانان در تاریخ ادیان است (جلالی، ۱۳۷۴: ۷)، دانشمندان و دین‌پژوهان غیرمسلمان نیز، خواه‌ناخواه برای کشف منشأ اختلاف و تعدد دین و دیگر وقایع ماقبل تاریخ، به قرآن به‌مثابه مهم‌ترین و معتبرترین مدرک مکتوب در «تاریخ تحلیلی جهان، انسان و دین» از باب رجوع به شنیده‌های اطمینان‌یافته^۳ نیازمندند (ر.ک: آیت‌اللہی، ۱۴۰۱)، از این رو نگاشته حاضر کوشیده است با روش توصیفی-تحلیلی در چارچوب نظری رویکرد مذکور به مسئله این پژوهش بپردازد.

۱. همه دلالت وابسته به روایت است و از مطلق روایت، تنها ارتباط میان دال و مدلول به‌دست می‌آید نه ارتباط میان امور خارجی و ذهنی (Buckner, 2020: ix & xv). اما روایت اول شخص خدا از خود با روایت سوم شخص خلق از او متفاوت است. اگر روایت خدا از چیزی باشد (به‌طوری‌که از مخاطب معصوم نبی یا امام با تواتر لفظی به ما رسیده باشد)، دال، سخن خداست و مدلول مطابق با همان عین و واقعیت خارجی است. اما اگر روایت خلق باشد، در وهله نخست، تضمینی وجود ندارد که مدلول را مطابق با واقع بدانیم.

۲. برای اطلاع از فراتاریخ بودن قرآن و سازوکارهای انتقال پیام‌های فرامانی و فرامکانی در ظروف تاریخی خاص، ر.ک: عرب صالحی و پیشوایی، ۱۴۰۱: ۱۷۷-۱۹۹. doi: 10.22059/jpht.2022.339525.1005889

۴. پیشینه مطالعات نظری درباره منشأ اختلافات دینی

پیشینه عام بحث درباره اختلافات دینی را می‌توان در حاشیه اغلب آثار فراوان موجود در موضوع تعدد، تنوع و تکثر دین اعم از فارسی و انگلیسی به‌نحو پراکنده یافت. کوشش‌هایی از مفسران و متکلمان مسلمان ثبت شده است که به توصیف منشأ اختلاف ادیان در قرآن پرداخته و اختلافات دینی را ناشی از گستره وسیعی از عوامل غیرمعرفتی دانسته‌اند (ر.ک: مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۰: ۳۸۱). پژوهش‌های دیگری نیز اختلاف در مبانی و روش‌های معرفتی را به‌عنوان عامل معرفتی کثرت ادیان بررسی کرده‌اند (ر.ک: اله بداشتی، ۱۴۰۰: ۲۷). در خصوص اختلاف‌نظر دینی نیز کوشش‌هایی از منظر معرفت‌شناختی و اخلاقی دیده می‌شود (ر.ک: Benton, 2019: 185-195؛ حجتی، ۱۳۹۸) همچنین مطالعات متنوع فلسفی در این موضوع را به ویژه در میان الهی‌دان‌ها و فلاسفه غربی می‌توان ملاحظه کرد (ر.ک: عبدالهی راد، ۱۴۰۰: ۲۴۷؛ Schuon, 1976: 70-76؛ Hick, 1989: 246)، اما اثری که به‌طور مستقل و با رویکردی واقع‌گرایانه به هستی‌شناسی نخستین اختلافات دینی و کاوش علت مباشر پیدایش آنها در حیات بشری پرداخته و آن را تحلیل معرفت‌شناختی کرده باشد، یافت نشد.

۵. تاریخ تحلیلی اختلاف دینی بر اساس قرآن

هنگام بحث درباره تاریخ پیدایش، اختلاف و تکثر دین لازم است متذکر شویم اصطلاح «دین» به معنای عام مدنظر است که گستره آن، انبوه فرهنگ‌هایی است که زمین را فراگرفته و شامل مجموعه مفاهیم و گزاره‌های اطمینان‌یافته برای معنا بخشیدن به میل و شیوه زندگی انسان جهت رسیدن به چیزی فراتر از خود است. با لحاظ این نکته، به‌طور کلی می‌توان تاریخ اختلاف دینی را به سه دوره کلان تقسیم کرد:

۵.۱. دوره نخست: تعلیق باورهای دینی در بستر جامعه بشری واحد

قرآن در خصوص تاریخ پیدایش دین در نخستین جامعه بشری بر این نکته تأکید می‌ورزد که: «مردم امت واحد بودند» (بقره/ ۲۱۳؛ یونس/ ۱۹) و نیز منابع معتبر تفسیر اثری، گزارش کرده‌اند که: مردم بعد از حضرت آدم (ع) تا زمان بعثت حضرت نوح (ع) «امت واحد» بودند؛ ... مبتلا به حیرت و سرگردانی... زیرا پس از آدم (ع) قابیل همان‌طور که برادرش هابیل را بر سر وصایت و میراث نبوت و علم مخصوص و اسم اعظم کشته بود شیث (ع) را نیز تهدید کرده بود که اگر وصایت و علمش را آشکار کند، کشته خواهد شد. بنابراین شیث و انبیا بعد تا ده نبی در میان بنی‌آدم مجبور به تقیه و کتمان گردیدند... تا جایی که بر زمین جز مردمی که همگی دچار ضلالت بودند، کسی باقی نماند و وصی خدا در جزیره‌ای میان دریا به عبادت خدا می‌پرداخت (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۸۲، رقم ۴۰). براساس این واقعیت گزارش‌شده در منابع متعدد، در مرحله اول تاریخ اختلاف دینی یعنی «دوره تعلیق باورها»، اجتماع بشر نخستین افزون‌بر ۱۰۰۰ سال ما بین آدم (ع) و نوح (ع) در قالب «امت واحد گمراه» می‌زیست و دچار اختلافات طبیعی و تنازع بقا بود (دولت و افضل، ۱۳۹۴: ۲۶) تا اینکه نسل آدم به مرز هلاکت رسید.

۵.۲. دوره دوم: ظهور اجتماعی دین با بعثت پیامبران اولوالعزم

در این دوره، در امر الهی بداء حاصل شد (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸: ۸۲، رقم ۴۰) و اراده الهی چنین گشت که «امت واحد ضلالت‌زده حیران» به‌واسطه رسولان حق به «امت واحد هدایت‌شده با ایمان» مبدل شود. از این‌رو خداوند پیامبران را برای تشبیر و تنذیر مردم برانگیخت تا میان مردم در آنچه اختلاف داشتند، به حق حکم کنند که اگر چنین نمی‌شد، بی‌شک در اختلافات و منازعات شدیدشان هلاک می‌شدند (بقره/ ۲۱۳؛ یونس/ ۱۹). از این‌رو دین به‌عنوان «راهنمای زندگی سعادت‌مندان انسان» که مطابق با ساخت همگانی و تغییرناپذیر آدمیان (فطرت) بود، متناسب با شرایط هر جامعه بدان عرضه شد؛ بدون آنکه اختلاف و تفرقه‌ای میان انبیای الهی باشد (بقره/ ۱۳۶ و ۲۸۵؛ آل عمران/ ۸۴)، هرچند تقدیر خداوند همانند دوره قبل، چنین بود که راه ایمان به عقل و اختیار خود آدمیان طی شود نه به اکراه و اجبار (یونس/ ۹۹).

۱. برای ملاحظه سایر مستندات این گزارش ر.ک: بقره/ ۲۱۳؛ یونس/ ۱۹. همچنین قمی، ۱۴۰۴ق، ج ۲: ۲۷۲-۲۷۳ و ج ۱: ۳۱۰؛ عباشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۰۴-۱۰۵؛ رقم ۳۰۹ و ج ۱: ۳۱۲، رقم ۸۳؛ بحرانی، ۱۳۷۴، ج ۱: ۴۵۰-۴۵۲ و ج ۳: ۲۰؛ العروسی الحویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۲۰۸-۲۰۹.

۵.۳. دوره سوم: تفرقه جویی و شروع اختلاف دینی

پس از بعثت نخستین پیامبر اولوالعزم، نوح (ع) میان امت یکدست و واحدی که سالیان دراز همگی در حالت تعلیق نسبت به دین الهی بودند، مرزبندی مؤمن و کافر ظاهر شد و اختلاف و مجادله در پذیرش حق پدید آمد (بقره/ ۲۱۳؛ یونس/ ۱۹) که به انحراف و انشعاب از دین الهی انجامید. گزارش جزئیات این پدیده در عصر هریک از انبیا به تفصیل در قرآن آمده است. به‌طور خلاصه، در هر مقطع از تاریخ نزول و اكمال دین الهی، گروهی از هر قوم، پس از دستیابی به علم و دلایل روشن در خصوص حقانیت دعوت پیامبرشان، دین حق را در میان خود پاره‌پاره کرده و هریک حزب و شعبه‌ای جدا از دیگران برگزیدند (غافر/ ۵؛ انبیا/ ۹۲-۹۳؛ مؤمنون/ ۵۲-۵۳).
 بنابر آنچه گفته شد، حقیقت ماهوی پدیده‌ای که ذیل عنوان عام «اختلاف، تعدد یا تکثر دین» با آن مواجهیم، «تفرق دین» است که متأثر از برخی اراده‌های انسانی، به خلاف رضایت و مشیت خداوند، رخ داده است. اختلاف و تفرق مذکور را می‌توان در همه ساحت دین اعم از باورها، ارزش‌ها، آداب و احکام عملی ملاحظه کرد؛ به‌نحوی که در بسیاری موارد حتی در عناصر ظاهراً مشابه نیز، با اشتراک لفظ در میان ادیان مواجهیم. برای مثال مفاهیم بنیادینی چون خداوند، وحی، معجزه و ... حتی میان ادیان ابراهیمی دچار اختلافات عمیق است. با این حال، محدوده فاعلیت اراده‌های باطل، به قدر و قضای الهی، مقید است و از این‌رو نتوانسته است خط مستقیم دین الهی را محو کند.

۶. منشأ اختلاف و تفرقه دینی

حال که در بحث هستی‌شناسانه قبل، چستی اختلاف دینی پاسخ یافت، نوبت به پرسش از چرایی یا به‌عبارت دیگر منشأ این پدیده است. «منشأ» در لغت به معنای «مولد، سرچشمه، محل پیدایش، خاستگاه، جای نشو و نما، سرآغاز، پایه، زادگاه، ریشه، آغاز» (ر.ک: دهخدا، عمید، معین ذیل منشأ) و در اصطلاح به معنای «نخستین علت مباشر در حدوث یک پدیده» است.
 در اینجا پرسش این است که علت اولیه اختلاف دینی که به تعدد و تکثر دین منجر شده است، هنگام ابلاغ آن توسط پیامبران به نخستین مخاطبان‌شان چه بوده است؟ به‌عبارت دیگر با توجه به ۱. انطباق دین واحد الهی بر فطرت تبدیل‌ناپذیر انسان و ۲. امداد الهی از طریق ارسال رسولان در طول تاریخ برای ابلاغ مراتب همان دین واحد به مردم، چرا گروهی از نسل نخست مخاطبان انبیا، از تسلیم و پذیرش نسخه روزآمد دین الهی در زمان خود ممانعت کردند و بر عقاید باطل یا منسوخ خویش ماندند یا زمینه‌های پذیرش شعبه‌های انحراف و تفرقه از دین را که حاوی آموزه‌های خلاف فطرت‌اند، فراهم کردند؟ مسئله مذکور با واکاوی عوامل معرفتی و غیرمعرفتی اختلاف دینی در تاریخ حاصل می‌شود. در اینجا باز هم رویکرد واقع‌گرایی مؤلف‌محور به قرآن، قابلیت این را دارد که با استفاده از چند گزاره کلیدی مرتبط با بحث حاضر، شواهدی تعیین‌کننده در نفی علل و عوامل موهوم و کشف منشأ و علت اولیه اختلافات دینی به‌دست دهد.

۶.۱. عوامل وهمی نخستین اختلافات دینی

در اینجا، نخست عواملی که به خطا، به‌مثابه نخستین منشأ اختلافات دینی پنداشته شده‌اند، به‌اختصار بررسی و ارزیابی شده و سپس به تبیین منشأ واقعی پرداخته می‌شود.

۶.۱.۱. «اراده تشریحی خدا بر ارسال رسل متفرق» به مثابه منشأ اختلاف دینی!

برخی گفته‌اند: «اولین کسی که بذر پلورالیسم را در جهان کاشت، خود خداوند بود که پیامبران مختلف فرستاد!» (سروش، ۱۳۷۸: ۱۸)؛ گویی تصور کرده‌اند که میان پیامبران خدا اختلاف عرضی بوده است! درحالی که گزارش قرآن نشان می‌دهد که یگانه دین الهی، جامع همه شرایع حق است که به پیامبران اولوالعزم ابلاغ شده، بنابراین دین آخرین پیامبر خدا محمد (ص) نیز چیزی جدید و بی‌پیشینه نیست که به‌طور مقطعی مُد شده باشد. بلکه امتداد مسیر واحد و ثابتی در باورها، ارزش‌های اخلاقی و وظایف عملی است که سابقه تاریخی آن

۱. درباره نوح (ع) ر.ک: اعراف/ ۵۹-۶۴؛ یونس/ ۷۱-۷۳؛ درباره هود و صالح و لوط و ابراهیم و اسحاق و یعقوب و فرزندان‌شان (ع) ر.ک: یونس/ ۷۴؛ درباره موسی و هارون (ع) ر.ک: یونس/ ۷۵؛ یونس/ ۸۳؛ یونس/ ۹۳؛ درباره انبیا پس از موسی ر.ک: البقره/ ۶۱؛ آل عمران/ ۲۱ و ۱۱۲؛ مائده/ ۷۰؛ درباره عیسی (ع) ر.ک: بقره/ ۲۵۳؛ زخرف/ ۶۳-۶۵؛ مائده/ ۷۸ و درباره محمد (ص) ر.ک: بقره/ ۱۰۴؛ نساء/ ۷۸؛ حجر/ ۹۷؛ ق/ ۳۹؛ مزل/ ۱۰؛ توبه/ ۶۱ و...

به قدمت حیات بنی‌آدم است (شوری / ۱۳). شاهراه رسیدن به خدا یکی است و اراده تشریحی او چنین نبوده که پیامبران متفرق با ادیان متفرق نازل فرماید (بقره / ۱۳۶ و ۲۸۵؛ آل عمران / ۸۴)، بلکه برعکس خداوند از چندگانگی و تفرق نهی فرموده (آل عمران / ۱۰۳؛ انعام / ۱۵۹) و از تکرار تجربه گذشتگان در تفرقه‌انگیزی و اختلاف‌افکنی‌انذار داده است (آل عمران / ۱۰۵).

۶. ۱. ۲. «اراده تکوینی خدا بر تفاوت طبیعی و فرهنگی» به مثابه منشأ اختلاف دینی!

طبیعت‌گرایانی چون دیوید ویلسن، دین را محصول تکامل فرهنگی و به تبع آن، اختلافات دینی منجر به تعدد دین را محصول تعدد کارکردهای تکاملی ادیان در جهت همبستگی فرهنگی گروه‌های دینی دانسته‌اند (عبداللهی راد، ۱۴۰۰: ۲۴۷). برخی خداگرایان نیز از قرآن شواهدی مبنی بر «علم خدا» به وجود اختلاف بین امت‌ها آورده و از آنها «موافقت خدا» با وجود اختلافات دینی را نتیجه می‌گیرند! گویی اراده تکوینی خداوند در نظام آفرینش، ایجاد اختلافات دینی و تفرقه مترتب بر آن را الزام کرده باشد! در اینجا چند نکته شایان ملاحظه است:

نکته اول: میان اختلافات ناگزیر مردم که ناشی از طبیعت و طبع و لازمه معیشت و امور زندگی انسان و سبب دوام حیات اجتماعی او و مطابق خواست الهی و مصالح بشر بوده است (زخرف / ۳۲). با اختلافات غیرطبیعی مثل اختلاف دینی که خلاف مصالح بشر و مورد نهی الهی است (آل عمران / ۱۰۳؛ انعام / ۱۵۹)، تمایز وجود دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱: ۸۱). به تعبیر دیگر اختلافات نوع دوم اگرچه ذیل مشیت و اراده اوست، مورد محبت و رضایت الهی نیست (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۵۰)، زیرا کفر و اختلاف، مستلزم غضب الهی است؛ درحالی که اسماء جمال و رحمت خداوند بر جلال و غضب او مقدم و محبوب‌تر است.

نکته دوم: همان‌طور که مردم وجوه اختلافی و متغیری دارند، وجه مشترک ثابت و تغییرناپذیری دارند که خاص آفرینش انسان است و آیه ۳۰ سوره روم بدان اشاره کرده و دین الهی را منطبق با این وجه ثابت معرفی می‌کند. بر این اساس خداوند تصریح می‌فرماید که اگر می‌خواست همه را به امت واحد مؤمن یا امت واحد کافر مبدل می‌فرمود (المائدة / ۴۸؛ هود / ۱۱۸-۱۱۹؛ زخرف / ۳۳)، اما چنین جبری خلاف تقدیر او در آفرینش انسان مختار بود.

نکته سوم: امر خدا به اقامه دین و نهی خدا از شکاف و تفرقه در دین، حاکی از آن است که نه تنها پروردگار دین واحدی را نازل فرمود، بلکه همه را مکلف کرد که آن را در مقیاس اجتماعی برپا دارند و تفرقه نجویند. اگر مردم به دلیل اختلافات فرهنگی و مقتضیات زمان و مکان، قادر به اقامه دین واحد و پرهیز از تفرقه نبودند، چنین امر و نهی خلاف فطرت انسان، تکلیف مالا یطاق، خلاف عدالت، خلاف حکمت الهی و محال بود. اما اکنون، فحوای امر و نهی الهی نشان می‌دهد که برپایی دین واحد، مطابق فطرت انسانی است و تفرقه و تعدد دین خلاف فطرت بنی‌آدم است.

نکات مذکور نشان می‌دهد که دین واحد الهی فراتر از طبیعت، تاریخ و فرهنگ بشری است و اختلاف در آنها، منشأ و علت اولیة اختلافات دینی نبوده است.

۶. ۱. ۳. «ویژگی‌های ذاتی دین» به مثابه منشأ اختلاف دینی!

اغلب طبیعت‌گرایان تقلیل‌گرا گمان می‌کنند اختلاف دین ناشی از کذب و خطاپذیری آموزه‌ها، متغیر و بی‌ثبات بودن، بی‌معنایی و ابهام، مرموز و یا دیرباب بودن اصل دین است و بحث از واقع‌نمایی حقیقی و صدق گزاره‌های دینی را خالی از وجه و بی‌اهمیت می‌دانند (عبداللهی راد، ۱۴۰۰: ۲۴۷)، درحالی که دین الهی واجد ویژگی‌های منحصر به فردی است که در ذات خود ثبات‌آور و سبب اجتماع قلوب مؤمنان است. توجه به چند نکته این مطلب را روشن‌تر می‌کند:

نکته اول: «دین» نزد خدا تعدد و تکثر عرضی ندارد و شاهراه باورها و اخلاقیات و احکام کلی، کامل و خالصی است که همه شرایع، بر آن مبتنی است و معنای جامعی که در آن عبارت است از «تسلیم شدن» به خدا و اطاعت او در آنچه که در هر عصر با زبان پیامبرش از بندگانش می‌خواهد. «استعاره صراط مستقیم» در قرآن، به همین معنا مورد تأکید مکرر واقع شده و از راه‌های طولانی و ناهموار و بی‌راهه‌های تفرقه‌آور متمایز شده (انعام / ۱۵۳) و حاکی از این است که کوتاه‌ترین، سریع‌ترین و هموارترین راه برای رسیدن به مقصد غایی که کمالات وجودی مسافران در بستر آن به تدریج شکوفا می‌شود، همین «شاهراه مستقیم تمایز یافته» است. در «استعاره صراط مستقیم» هر پیامبر الهی همانند راهنمایی است که بر نقطه‌ای از این شاهراه

منزلگاهی بنا کرده و شریعت متناسب با استعداد مردمان زمانه خود را که شامل لوازم مشخص برای ادامه راه تا منزلگاه بعدی است، ابلاغ فرموده و سفارش آخرینش پیروی از شریعت پیامبر بعد بوده است. پس شرایع الهی نیز هماهنگ با صراط مستقیم بوده و از سایر مسیرهای انحرافی متمایزند. ویژگی «تمایز یافتگی» دین و شریعت برگزیده در هر زمان سبب هویت بخشی، استقلال و وحدت آفرینی برای دینداران در قالب نهاد اجتماعی «ملت» است (انعام / ۱۶۱).

نکته دوم: دین الهی قیم و استوار و لایتغیر معرفی شده است (روم / ۳۰ و ۴۳؛ بینه / ۳-۵؛ انعام / ۱۶۱؛ توبه / ۳۶؛ یوسف / ۴۰؛ کهف / ۲-۱). استواری و تغییرناپذیری دین، نشانه «مصونیت از خطا» است که از دیگر عوامل وحدت افزا محسوب می شود. تنها تغییراتی که می توان گفت از جانب خداوند بر حسب مقتضیات فرهنگ و زمان و مکان، میان آموزه های انبیا نهاده شده است، اختلاف در شرایع و مناسک است؛ «شریعت ها» و «مناسک» متعدد و مکتبند و برای هر امت راه (شرعاً) و روش (منهاج) و رفتار عبادی (منسک) روشنی قرار داده شده است (مائده / ۴۸؛ حج / ۳۴ و ۶۷) و منظور از «شریعت» و «منهاج» و «منسک»، خطوط جزئی و متغیر دستورهای الهی است که با توجه به استعدادهای مختلف امت ها، متعدد بوده است. اما اختلاف در شریعت ها، از نظر کمال و نقص است، نه اینکه اختلاف و تغییر ذاتی و تضاد اساسی بین آنها باشد. همچنین شریعت و مناسک الهی در هر عصر واحد بوده است نه متکثر! و شریعت پیامبر عصر بعدی کامل تر از شریعت پیامبر قبلی و ناسخ آن بوده است (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۳: ۱۸۹).

نکته سوم: برخی خداگرایان تفکیک ظاهر و باطن دین و تمایز اهل ظاهر از اهل باطن را به عنوان واقعیتی هستی شناختی در قلمرو دین و ساحت انسان، مبنای نظریات معرفت شناختی در تبیین تنوع دینی قرار می دهند (Schuon, 1976: 70-76) و گاه ذوبطون و لایه لایه بودن محتوای دین را عامل اختلاف قرائت ها و تعدد فهم ها و در نتیجه کثرت ادیان و مذاهب می دانند (سروش، ۱۳۷۸: ۲-۳). در حالی که ذوبطون بودن، حاکی از وجود مصادیق مشابه در طول زمان یا وجود معانی عمیق و عمیق تر برای یک حقیقت ذومراتب است که در طول هم قرار دارند (رک: مصباح یزدی، ۱۳۹۴: ۲۶۲-۲۶۶؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۷۶: ۱۴۹-۱۵۱)، بنابراین ذوبطون بودن دین سبب تکثر تفسیرها و فهم های طولی و ذومراتب، غیرمتعارض، روشمند و غیرمتداخل است که جاودانگی دین را تضمین می کند؛ اما هیچ گونه تلازمی با تکثر قرائت های متعارض در عرض یکدیگر ندارد؛ ضمن آنکه فرضیه تعدد قرائت ها اولاً به تکثر تعارض آمیز و متناقض، و ثانیاً به حجیت و اعتبار بخشیدن به همه قرائت ها از دین می انجامد؛ امری که با هدف اصلی ارسال رسولان، یعنی هدایت الهی منافات دارد و به سردرگمی و ضلالت بندگان منتهی می شود (میری، ۱۳۹۴: ۱۵۱). پس ویژگی های ذاتی دین الهی مانند تمایز یافتگی، استواری، مصونیت از خطا، تغییرناپذیری و ثبات، سبب وحدت افزایی در جامعه است و عواملی چون ذوبطون بودن دین الهی نیز سبب تازگی و ماندگاری دین در همه اعصار است، نه آنکه منشأ تعدد دین باشد.

۶.۱.۶. «جهل و عدم علم به حقیقت در مخالفان نخستین» به مثابه منشأ اختلاف دینی!

بسیاری از مردم با اموری که نمی شناسند، مخالفت و دشمنی می کنند، از این رو شاید گمان شود که منشأ و علت اولیه اختلاف و تعدد در دین، اختلاف در مبانی و روش های معرفتی و عدم علم به حقیقت دین بوده است (اله بداشتی، ۱۴۰۰: ۲۷). در اینجا نیز چند نکته شایان توجه است:

نکته اول: قرآن گزارش می دهد که تفرق مردم در دین از سر جهل و فقدان علم نبوده است، بلکه بعد از اینکه علم به ایشان رسید، مخالفت و تفرقه جویی کردند (شوری / ۱۴) و منظور از «علم» در اینجا، علم به حق و حقیقت است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۳۱). همچنین بر وجود «بینه» یا «بینات» به معنای دلایل روشن نیز در آیات مشابه تأکید شده است (بقره / ۲۱۳؛ بینه / ۴)، بنابراین دین حق با علم و نشانه ها و دلایل روشن برهانی به مردم رسانده و معرفی شد.

نکته دوم: شاید گفته شود که ممکن است دلایل، بیان شده و علوم عرضه شود، اما مخاطب ظرفیت درک آن را نداشته باشد و عالم نشود. اما این سخن نیز در اینجا مردود است و نمی تواند علت اولیه اختلاف دینی باشد. آیات قرآن تصریح می کند که مخاطبان انبیا با وجود علم و شناخت نسبت به حق آن را انکار کرده اند (بقره / ۸۹) و بلکه بالاتر از آن در حالی که جان هایشان به حقیقت یقین می ورزید (استیقتنھا أنفسهم)، باز هم به جحد و انکار حق می پرداختند (نمل / ۱۴).

نکته سوم: جان هیک، دین را یک واکنش انسانی صرف نسبت به خدا یا واقعیت غایی تعبیر می‌کند و وجود اختلافات دینی منتهی به ادیان متکثر را لازمه وصف‌ناپذیری واقعیت مطلق دانسته است. چنانکه در طرح کلی فرضیه‌اش، بارها اشاره می‌کند که «حق فی‌نفسه زمینه پدیدارهای حق است» (Hick, 1989: 246)، اما اخبار تاریخی می‌گوید که نخستین اختلافات دینی، بر سر «اثبات ذات خدا و اوصاف او» نبود که شناخت وجوه نامتناهی‌اش ناممکن باشد! پس مسئله تمایز حقیقت فی‌نفسه با حقیقت عندالمدرک در شناخت خدا، که برخی به‌عنوان علت تعدد دین بیان کرده‌اند، در اینجا اساساً مطرح نیست، بلکه نخستین اختلافات بر سر پذیرش «فرستاده خدا» بود و اساساً کارکرد معجزات نیز اثبات «صدق ادعای نبوت» بوده است و بحث اینجاست که حقایق انبیا برای نسل نخست مخاطبان‌شان مسجل و یقینی بوده و مردم، پیامبران الهی به‌ویژه آخرین پیامبر را چون فرزندان‌شان می‌شناختند (بقره/ ۱۴۶؛ انعام/ ۲۰) تا جایی که مسیحیان نجران حتی به‌دلیل ترس از حقایق پیامبر خاتم(ص) از مباحله با او پرهیز کردند و حاضر به پرداخت جزیه شدند!

در مجموع در آغاز پیدایش اختلاف دینی، فاعلیت معلم در شناساندن دین و قابلیت متعلم در شناخت دین، کامل و تمام بوده و نیز امکان شناخت معلوم کاملاً مسجل است و اگر انکاری از سوی مردم صورت گرفته، نه از سر جهل و نادانستن، بلکه تعمدی و آگاهانه رخ داده است.

۲.۶. «بغی اجتماعی» منشأ واقعی نخستین اختلافات دینی

حال که بی‌اثر بودن همه متغیرهای قبلی در ایجاد نخستین اختلافات دینی معلوم شد، می‌توان گفت آنچه به‌عنوان منشأ اختلاف دینی قابل استناد تاریخی و مبتنی بر واقعیات است، در عبارت «بَغِيًّا بَيْنَهُمْ» نهفته است که آیات متعددی از تأثیر این عامل در میان اقوام و امت‌های پیشین خبر داده‌اند (ر.ک: بقره/ ۸۹-۹۰؛ بقره/ ۲۱۳؛ آل عمران/ ۱۹؛ شوری/ ۱۴؛ جاثیه/ ۱۷). برای مثال آیات ۱۳ و ۱۴ سوره مبارکه شوری، تحلیلی جامع از رویداد مذکور به‌دست می‌دهد و حاوی نکات مهمی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

نکته اول: پس از ابلاغ مراتب دین واحد توسط پیامبران به مردم، پذیرش فرمان خدا برای مشرکان، گران و تحمل‌ناپذیر بود؛ از این رو با آنکه علم به حقایق داشتند، آگاهانه و عمدانه در آن اختلاف کردند و تفرقه جستند.

نکته دوم: علت مباشر تفرقه‌جویی در دین، بغی بود. کلمه «بَغِيًّا» مفعول لأجله، یعنی بیان‌کننده علت است (صافی، ۱۴۱۸ق، ج ۲۵: ۲۶) و «بغی» را به‌عنوان منشأ و علت اولیه تفرقه و تعدد دین معرفی می‌کند. واژه بغی در لغت، به معنای گونه‌ای «طلب و خواست شدید» (ر.ک: ابن‌منظور، ۱۴۱۴ق، ذیل بغی؛ راغب، ۱۴۱۲ق: ۵۳) و در اصطلاح فقهی به معنای «شورش ناحق علیه امام حق» است. اما معنای دقیق واژه بغی در عبارت «بَغِيًّا بَيْنَهُمْ» که مورد بحث ماست، با نظر به استعمالات آن در متن قرآن و احادیث روشن می‌شود. در حدیث جنود عقل و جهل، «بغی» از جنود جهل و ضد «تهیئه» است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۲۱). ملاصدرا در شرح آن می‌گوید: «شاید مراد از تهیئه در اینجا تائی و تثبت و توافق و مصالحه و متابعت... و مراد از بغی، تردید و سرکشی و تعدی و تجاوز باشد... پس هرگونه تجاوز و افراط از حد بغی است.» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳، ج ۱: ۵۱۲). در مجموع می‌توان گفت: «بغی» به معنای «حیله و حربه جهت تجاوز ظالمانه نسبت به حق» در برابر «تهیئه» به معنای «تدبیر و تدارک جهت تبعیت عادلانه از حق» است و منشأ بغی ممکن است حسد، کبر یا سایر پلیدی‌های درونی باشد.

نکته سوم: منشأ اختلافات دینی که به تعدد و تکثر/تفرق دین منتهی شد، بغی فردی نیست. «بغی» در این موارد مقید شده است به کلمه «بینهم» برای اینکه بفهماند این عمل در بینشان متداول بوده است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۸: ۴۱). اجتماعی بودن بغی مؤثر در تفرق دین، با ملاحظه ضمائر جمع در عباراتی چون «الَّذِينَ... يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَ يَبْغُونَهَا عِوَجًا» تقویت می‌شود (ر.ک: اعراف/ ۴۵؛ هود/ ۱۹؛ ابراهیم/ ۳؛ آل عمران/ ۹۹؛ اعراف/ ۸۶). بنابراین در اینجا بغی در مقیاس اجتماعی مورد نظر است.

نکته چهارم: گستره تأثیرات اجتماعی بغی در برابر دین الهی، به افراد یک نسل در یک بازه زمانی و مکانی کوتاه محدود نبوده است، بلکه وارثان کتاب آسمانی در طبقات بعد نیز به‌سبب اختلاف و تفرقه نسل قبل، نسبت به حقایق دین الهی دچار

۱. وقایع تاریخی که ذیل این آیه در تفاسیر مأثور گزارش شده است، بخش مهمی از تاریخ فراموش‌شده صدر اسلام است (ر.ک: تفسیر اهل بیت (ع)، ج ۱: ۵۲۸-۵۳۸) قابل‌بازیابی در <http://alvahy.com/%D8%A8%D9%82%D8%B1%D9%87/89>

شک و سوء ظن شدند و دامنه تفرق و تکثر را گسترده‌تر کردند. صفت «مُرب» وضعیت معرفتی برخی از افراد نسل‌های بعد را به‌روشنی بیان می‌کند (ر.ک: قرآتی، ۱۳۸۷، ج ۸: ۳۸۳-۳۸۴). مُرب از ریشه رَب است و «رب» را «شک همراه با تهمت» گویند که سرانجام فرد را به هلاکت می‌کشاند (ق / ۲۴-۲۶).

در مجموع شواهد فراوان، نشان از وجود جبهه‌گیری ضددینی - ضدمعرفتی از سوی همه طغیان‌گران عالم، در برابر همه فرستادگان الهی دارد (ذاریات / ۵۲-۵۳)، پس فرضیه پیدایش بغی اجتماعی در طبقه نخست از مخاطبان انبیای الهی، به‌عنوان منشأ اولیه و علت مباشر اختلافات منتهی به تفرق دین، واقعی‌تر از چهار فرض پیش‌گفته است و بر آرای دیگر رجحان دارد.

۷. تحلیل معرفت‌شناختی بغی اجتماعی

منظومه باورهایی که انسان قبول یا رد می‌کند و اساس دین او را می‌سازد، می‌تواند ناشی از دو قسم از عوامل معرفتی و غیرمعرفتی باشد. مراد از «عوامل معرفتی» استدلال‌هایی است که یک اندیشمند بر صحت نظریه خود یا بطلان نظریه رقیب اقامه می‌کند و در بیان مشهور «دلیل» نامیده می‌شود. در اصطلاح، دلیل به معنای چیزی است که از علم به آن، علم به چیز دیگری لازم آید و عقل به‌وسیله دلیل می‌تواند نسبت به صحت چیزی که مورد شک واقع شده است، به تصدیق یقینی برسد (صلیبا، ۱۳۶۶: ۳۵۱). منظور از «عوامل غیرمعرفتی» اموری غیر از استدلال، اعم از شرایط بیرونی و احوال درونی فاعل معرفت است که فرد را به‌سوی قبول یا رد یک نظر سوق می‌دهد و به «علت» مشهور است. در اصطلاح حکما علت آن چیزی است که معلول در کیان و هستی خود به او نیازمند است (مطهری، ۱۳۸۷: ۲۰۳). نکته حائز اهمیت در اینجا تقدم عوامل غیرمعرفتی بر عوامل معرفتی است؛ از این حیث که می‌توانند علت استدلال‌های ما واقع شوند.

بر این اساس اولاً: باور نزد فاعل شناسا حداقل در شش مرتبه ظهور دارد که هر مرتبه نیز واجد درجات تشکیکی است. بدین معنا که شخص S در مرتبه حدس و گمان و انفعال و به‌عبارت بهتر «تسلیم» نسبت به یک باور، صرفاً احتمال بیشتر می‌دهد که قضیه p صادق باشد؛ در مرتبه «علم» واجد باور صادق به p با درجه‌ای از یقین می‌شود؛ در مرتبه «معرفت» با ارزیابی شواهد و حجت‌ها توسط عقل، صادق بودن p را با درجه‌ای از تشخیص منتهی به تصدیق در قلب خود می‌پذیرد؛ در مرتبه «ایمان» به باور صادق معقول و حجت‌مند اقرار می‌کند؛ در مرحله بعد اثرات ایمان در «عمل» و تجربه فردی و اجتماعی او آشکار می‌شود؛ و در نهایت به ظهور باور و به عبارت دیگر "اداء" کامل آن، در ساحات عمل باطنی و ظاهری با لحاظ آداب و لوازم منتهی می‌گردد.^۱ شکل زیر برای نمایش مراتب ظهور تشکیکی هر باور در وجود انسان قابل رسم است:



شکل ۱. مراتب تشکیکی باور

۱. در این تبیین از سخن امیرالمؤمنین (ع) و آیات و روایات معاضد آن الهام گرفته‌ایم که فرمود: *إِنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ وَ التَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ وَ الْيَقِينُ هُوَ التَّصَدِيقُ وَ التَّصَدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ وَ الْإِقْرَارُ هُوَ الْعَمَلُ وَ الْعَمَلُ هُوَ الْأَدَاءُ...* (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۶).

با ملاحظه مراتب باور که بر مبنای فلسفی تشکیک وجود صدرالمألهین در هستی‌شناسی باور دینی قابل طرح است، «باور صادق / علم / مطلق آگاهی» از «باور صادق موجه یا معقول / معرفت / آگاهی پذیرفته‌شده» متمایز است. چنان‌که در استعمال واژگان قرآن و روایات «مراتب باور دینی» از درجات حدس و ترجیح (تسلیم)، تا درجات دانستن (علم)، تا درجات پذیرفتن قلبی (معرفت)، تا درجات ابراز و اقرار (ایمان)، تا درجات اقدام و اتیان (عمل) تا درجات احسان و اخلاص (اداء) قابل کشف است (ر.ک: الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲: ۴۶) و برخی چون ون‌فراسن، جانانان کوهن، آستون و کلارک نیز هریک به‌نحوی بین باور و پذیرش تمایز قائل می‌شوند (عظیمی دخت، ۱۳۹۹: ۳۷۱).

ثانیاً: انسان برای تصدیق/پذیرش علم تا رسیدن به مرتبه «معرفت» محتاج عقل است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۷) و عقل با استناد به «معیارهای عقلانیت/معرفت» قادر به تصدیق علم می‌شود. معیار معرفت شاخصی ذاتاً صادق، ثابت و خطاناپذیر است که می‌توان براساس آن، شواهد، ادله و نتایج صادق را از کاذب تمییز داد. اگر چیزی واجد صدق و خطاناپذیری ذاتی بذاته باشد او همان واقعیت غایی و مرجع و معیار و داور نهایی است؛ و اگر چیزی واجد صدق و خطاناپذیری ذاتی بغیره باشد، در صورتی معیار معرفت است که از جانب واقعیت غایی «تأیید شده» باشد.

طبق مبنای این نگاه، واقعیت غایی خداوند یکتاست و نزد او دو معیار برای داوری مورد تأیید است: یکی برونی و آشکار و دیگری درونی و پنهان؛ و استناد اجتهادی به آنها می‌تواند ضامن عقلانیت و موجب پذیرش علم و حصول معرفت باشد. معیار درونی معرفت انسان، خود «عقل» و معیار بیرونی آن، «سمع» است (مُلک / ۱۰؛ الکلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ۱۶). اصطلاح «سمع» که در بیان معرفت‌شناسان معاصر «مرجعیت فکری» خوانده می‌شود، در اینجا عبارت است از: فرایند تأثیرپذیری و کسب علم از طریق استماع کلام و حیانی از انبیا و اولیا، که بی‌نیاز از فرایند تعقل، به تصدیق و ایمان منتهی گردد. اگر دستگاه معرفت‌شناختی بشر مجهز به معیارهای عقلانیت/معرفت تأیید شده (مؤید نزد واقعیت غایی) اعم از درونی و بیرونی باشد که در نفس‌الامر به‌مثابه داوران الهی حاضرند و آنها را ملاک ارزیابی خود در تشخیص صدق از کذب قرار دهد، به «معرفت» مجهز شده و می‌تواند به حقیقت نزدیک شود. اما اگر آغشته به معیارهای شبه‌عقلانی در داوری و تشخیص باشد، حتی اگر متکی به آنها به قطع برسد، مبتلا به «شبه عقلانیت» و دچار جحود می‌گردد. معیارهای شبه عقلانی، شامل شبه‌عقل (جهل^۱ و جنود آن) به‌عنوان عامل درونی و نیز مراجع فکری نامؤید به‌عنوان عامل بیرونی است. نسبت عوامل مذکور در تصویر زیر نشان داده شده است:



شکل ۲. نسبت معیارهای عقلانی و شبه‌عقلانی با معرفت

ثالثاً: هرچه از مرتبه حدس و احتمال به مرتبه علم و معرفت و ایمان و عمل پیش رویم، بر شدت تأثیر اراده انسان در فرایند باورمندی افزوده می‌شود؛ بدان معنا که نقش عوامل غیرمعرفتی به‌ویژه فضایل و ردایل فکری - اخلاقی در کنار معیارهای عقلانیت پررنگ‌تر می‌شود.

۱. جهل در اینجا در برابر عقل، معنایی اعم از جهل در برابر علم دارد و ریشه همه موانع معرفتی و غیرمعرفتی است که انسان به‌سبب آن از پذیرش و تصدیق حقایق، سر باز می‌زند.

با این توضیحات روشن است که پس از دعوت به حق (انگیزش معرفتی نسبت به دین) و تعلیم حقایق (آموزش دین) توسط نمایندگان خدا (انبیا و اوصیا) به مردم، اگر واکنش‌هایی چون «جحود»^۱ بر اثر پلیدی‌های درونی چون ظلم و علو در میان برخی از سران اجتماعی و منتقدان حاضر در حلقه اول مخاطبان بروز یابد و به صورت بغی اجتماعی فضای عاطفی جامعه را ملتهب گرداند، دعوت و حیانی اگرچه در بسیاری، موجب علم و یقین فردی می‌شود، در مرحله تصدیق و پذیرش اجتماعی دچار اختلال خواهد شد. اهمیت این مسئله آنگاه روشن‌تر می‌شود که بدانیم علاوه بر فاسقان و مفسدان که مرتکب «ظلم آشکار» فاقد توجیه عقلانی در برابر دعوت حق بوده‌اند، گروه بغات نیز متأثر از حسادت ناشی از «علو و برتری جویی پنهان»، اما با تکیه بر نفوذ اجتماعی و توجیهات شبه‌عقلانی، دستگاه معرفتی جامعه را دچار انحراف معیارهای عقلانیت کرده‌اند.

فرایند انحراف معیار عقلانیت با ملاحظه بینش نظری، انگیزه و روش عملی طواغیت و کفار و مشرکانی که شواهد تاریخی آنها از مسیر قرآن به تواتر رسیده است، به دست می‌آید. برای مثال مرور مواردی چون توجیهات اصحاب عقاید جاهلانه برای کفر و شرک، «شبه عقلانیت» معتبر نزد آنها را نشان می‌دهد. همچنین انتساب جنون و سفاهت و شعر و روایا از سوی مشرکان به انبیای عظام از این واقعیت پرده برمی‌دارد که سران مشرکان همواره بیش از همگان «مدعی عقلانیت» بوده و بر این اساس با «تغییر معیار عقلانیت» نزد اکثریت جامعه، دین جاهلانۀ خود را رواج می‌دادند (ر.ک: اسدی و رشاد، ۱۳۹۸: ۸).

بدین ترتیب ایجاد انحراف در معیارهای عقلانیت از طریق ۱. «سلب مرجعیت معرفتی از انبیا و اوصیا» و جایگزینی مراجع دروغی و فاقد تأیید، و ۲. «ترویج شبه‌عقل/جهل» به جای عقل، سبب بسط شبه عقلانیت (جاهلیت و شیطنت) به جای عقلانیت، مانع از حصول و ظهور مراتب مشکک باور دینی و معرفت جمعی نسبت به آموزه‌های انبیای الهی و عامل بغی اجتماعی، اختلاف دینی، تفرق دین و انحراف از صراط مستقیم شده است. الگوریتم بعدی تلاشی برای نمایش عوامل مؤثر در این فرایند تاریخی است:



شکل ۳. جایگاه عوامل معرفتی و غیرمعرفتی مؤثر در اختلاف و تفرقه دینی

۱. امام صادق (ع) جحود یا انکار علم را به دو شکل می‌داند: جحود با علم و جحود با غیر علم (قمی، ۱۴۰۴، ج ۱: ۳۲).

۸. نتیجه

براساس یافته‌های مذکور، می‌توان به نتایج بعد دست یافت:

۱. «تنوع ادیان» که به تلویح اصالت انواع مختلف دین را تأیید می‌کند، عنوانی مغالطه‌آمیز است که سبب انصراف اذهان از واقعیت «تفرق دین» و عوامل تحمیل‌گر آن بر جامعه بشری بوده و قرائت‌های پلورالیستی که برای همه مکاتب و مذاهب اعم از حقیقی و ساختگی اعتبار یکسان قائل است، هر اندازه روشنفکرانه به نظر برسد، اما حکیمانه و مستند به وقایع خارجی نیست.
۲. بغی اجتماعی که ریشه و منشأ اولیه تفرق دین بوده است، با سه شاخصه اصلی «مطالبه ناهق» با وجود «علم به حق» مبتنی بر «توجهات شبه‌عقلانی» قابل شناسایی است. با توجه به اینکه مشخص است که تفرق دینی، امری خطرناک برای بقا و سعادت نوع بشر است و از سوی دیگر مهم‌ترین عامل معرفتی نخستین اختلافات دینی منتهی به تفرق دین، انحراف معیارهای عقلانیت ناشی از جنود جهل بوده است، لازم است برای رفع این مانع معرفتی و رسیدن به «وحدت معیارهای عقلانیت» کوشید.
۳. نظریات معرفت‌شناختی موجود درباره تنوع دینی یا حقانیت و نجات‌بخشی ادیان و نیز مباحث مربوط به معرفت‌شناسی اختلاف‌نظر دینی تنها در صورتی موجه و قابل اتکاست که با یافته‌های هستی‌شناسانه واقعی در انسجام باشد. با نگاه واقع‌بینانه معلوم است که پلورالیسم دینی در ساحت فردی فرض تحقق خارجی ندارد و در ساحت اجتماعی نیز آینده ادیان، معطوف به پلورالیسم نیست و دوگانه حق و باطل همواره ملحوظ بوده و است. این نکته اما منتهی به ایستایی انحصارگرا یا شمول‌گرا نیست، بلکه نیازمند نظریه معرفتی دیگری است که بتواند تفاوت تشکیکی و رتبی باورهای دینی مختلف را در طول یکدیگر و نه در عرض هم، مبتنی بر صراط واحد و مستقیم الهی توجیه کرده و همه مردمان را در هر سطح از معرفت دینی که هستند به پای نهادن بر شاهراه نجات‌بخش حق و پویایی و حرکت مستمر در آن به سوی غایت واقعی اعلی توصیه کند.
۴. خداوند نخواست و اراده نکرده بود که ادیان متفرق در عرض هم بر جوامع انسانی حاکم باشد. اما انسان را در این زمینه در محدوده مقدر خویش، مختار قرار داده است تا زمینه امتحان و اکتساب رشد یا عدم رشد برای بشر فراهم باشد. لازمه تبیین هستی‌شناختی مذکور این است که از میان نظریه‌های معرفت‌شناختی درباره اختلاف دینی و تکثر دین، تنها نظریاتی قابل قبول باشد که در هستی‌شناسی خود نقش اراده‌های طغیان‌گر و باغی بشری را ببینند. اما در عین حال نباید آن را خارج از محدوده علم و تقدیر الهی تفسیر کنند. بنابراین نظریاتی که لازمه منطقی آنها باور به جبر یا تفویض در پیدایش اختلاف دینی باشد، قابل قبول نخواهد بود. به عبارت دیگر، ابتناء بر باور پیشرفته «امر بین‌الامرین» در هستی‌شناسی تفرق دین و به رسمیت شناختن نقش توأمان فاعلیت الهی و اراده بشری در طول هم، شرط رسیدن به تبیین معرفت‌شناختی واقع‌نگرانه از حقانیت و نجات است.

منابع

۱. آیت‌اللهی، حمیدرضا (۱۴۰۱). امکانات جدید برون‌گرایی معرفت‌شناختی برای فلسفه دین و مواجهه با چالش تنوع ادیان. پژوهش‌های فلسفی - کلامی، Doi: 10.22091/jptr.2022.7873.2681.92
۲. ابن‌منظور، محمد (۱۴۱۴ق). لسان العرب. چ سوم، بیروت: دارالفکر - دارصادر.
۳. اسدی، زکیه (۱۳۸۸). مبانی کاربردی عقل در اکتشاف معارف اعتقادی از منظر قرآن و حدیث، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی علی‌اکبر رشاد و مشاوره عبدالحسین خسروپناه، تهران، دانشگاه قرآن و حدیث.
۴. اسدی، زکیه و رشاد علی‌اکبر (۱۳۹۸). اختلاف معیارهای عقلانیت به مثابه مهم‌ترین منشأ معرفتی تنوع ادیان. چکیده مقالات هشتمین همایش بین‌المللی فلسفه دین معاصر، «تنوع ادیان». مشهد مقدس.
۵. اله‌بداشتی، علی (۱۴۰۰). تأثیر مبانی معرفت‌شناسی در معرفت دینی. کاوش‌های فلسفه دین، ۲۷-۴۴. doi: 10.22080/jre.2021.20704.1123
۶. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان (۱۳۷۴). البرهان فی تفسیر القرآن. چ اول، تدوین توسط قسم الدراسات الإسلامية مؤسسه البعثه، قم: مؤسسه بعثه.
۷. بوکای، موریس (۱۳۶۴). مقایسه‌ای میان تورات، انجیل، قرآن و علم. چ دوم، ترجمه ذبیح‌الله دبیر، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۸. پورجوادی، نصرالله (۱۳۶۴). کشفی که تاریخ مسیحیت را دگرگون کرد. نشر دانش، ۲۸، ۳۷-۳۲.
۹. جلالی، غلامرضا (۱۳۷۴). نگرشی نو به تاریخ ادیان. پژوهش‌های اجتماعی اسلامی، ۱، ۱۶۱-۱۹۴.
۱۰. حجتی، غزاله (۱۳۹۸). اختلاف‌نظر دینی، بررسی معرفت‌شناختی، تهران: کتاب طه.
۱۱. دولت، محمدعلی و افضل‌علی (۱۳۹۴). بررسی تطبیقی تاریخ پیدایش انسان در زمین از نظر علم و آموزه‌های قرآنی و حدیثی. پژوهش‌های علم و دین، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۲، ۱۵-۳۱.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. لبنان - سوریه: دارالعلم - الدارالشامیه.
۱۳. ربانی گلپایگانی، علی (۱۳۷۶). کالبدشکافی «پلورالیزم دینی» معرفی و نقد. کتاب نقد، ۴، ۱۳۱-۲۱۱.
۱۴. ساکی، نانسو و شاکر محمدکاظم (۱۳۹۵). غفلت مطالعات اخیر غربی از فراگیری تواتر قرآن. تحقیقات علوم قرآن و حدیث، ۱۳، ۸۹-۱۱۵.
۱۵. سروش، عبدالکریم (۱۳۷۸). صراط‌های مستقیم. تهران: مؤسسه فرهنگی صراط.
۱۶. صافی، محمود بن عبدالرحیم (۱۴۱۸ق). الجدول فی اعراب القرآن، چ چهارم، دمشق - بیروت: دارالرشید - مؤسسه ایمان.
۱۷. صدرالدین شیرازی، محمد (۱۳۸۳). شرح اصول الکافی (صدرا). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۱۸. صلیبا، جمیل و صناعی دره‌بیدی، منوچهر (۱۳۶۶). فرهنگ فلسفی. چ اول، تهران: حکمت.
۱۹. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۷۴). ترجمه تفسیر المیزان. ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، چ پنجم، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۰. عبداله‌ی راد، هاله (۱۴۰۰). رویکرد زیستی-تکاملی در مواجهه با ادیان: بررسی دیدگاه دیوید ویلسون. پژوهشنامه فلسفه دین (نامه حکمت)، ۱۹، ۲۴۷-۲۶۸. doi: 10.30497/prr.2021.4721.1682
۲۱. العروسی الحویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق). تفسیر نور الثقلین. چ چهارم، تحریر هاشم رسولی محلاتی، قم: اسماعیلیان.
۲۲. عظیمی‌دخت، سید حسین (۱۳۹۹). تأملاتی پیرامون تمایز باور و پذیرش در معرفت‌شناسی. مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، ۲۴(۸۳)، ۳۷۱-۳۸۶.
۲۳. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق). تفسیر العیاشی. تحریر هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه.
۲۴. قرائتی، محسن (۱۳۸۷). تفسیر نور. ج ۸، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۵. قربانی، قدرت‌اله (۱۴۰۰). «تکثر ادیان و جست‌وجوی عدالت الهی»، تأملات فلسفی. doi: 10.30470/phm.2022.546049.2147
۲۶. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق). تفسیر القمی. چ سوم، تحریر طیب موسوی جزائری. قم: دارالکتب الإسلامیه.
۲۷. کلینی، محمدبن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامیه). چ چهارم. تهران: دارالکتب الإسلامیه.

۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴). قرآن‌شناسی. ج ۲ (مجموعه معارف قرآن ۶)، چ ششم، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی(ره).
۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷). آشنایی با علوم اسلامی (منطق، فلسفه). تهران: صدرا.
۳۰. معتمدی، منصور (۱۳۸۳). کشف انجیل‌های نجع حمادی و بازنگری در اناجیل رسمی مسیحیت. مطالعات اسلامی، ۶۵ و ۶۶، ۲۶۴-۲۵۱.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. چ اول، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
۳۲. میری، سید محمدحسین (۱۳۹۴). بررسی رابطه تعدد معنایی قرآن و تعدد قرائت‌ها با پولرایسم دینی. اندیشه نوین دینی، ۴۳، ۱۵۱-۱۶۶.
۳۳. ناس، جان بویر (۱۳۸۷). تاریخ جامع ادیان. چ هجدهم، تدوین توسط پرویز اتابکی. ترجمه علی اصغر حکمت، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
۳۴. نصیری، علی (۱۳۸۶). بررسی تطبیقی قرآن و کتاب مقدس. قیسات، ۴۳، ۵۹-۸۷.
۳۵. هشترودی، فاطمه (۱۳۸۸). طومارهای بحرالمیت: تاریخچه و منتخبی از نظریات. هفت آسمان، ۴۳، ۱۱۷-۱۴۰.

References

- The Holy Quran
- Nahj al-Balagha
1. Abdullahi Rad, H.(2021). The Bio-Evolutionary Approach to Religions: A Study of David Wilson's Perspective. *Philosophy of Religion Research (Namah-i-Hikmat)*, 19, 247-268 doi: 10.30497/pr.2021.4721.1682.(in Persian)
 2. Al-Arusi al-Huwaizi, A. (1995). *Tafsir Noor al-Seqlain*. fourth edition. Edited by Hashem Rasouli Mahalati, Qom: Ismailian.(in Arabic)
 3. Allahbedashti, Ali. (2021). the impact of Epistemological foundations on Theology. *Explorations in Philosophy of Religion*, 1(1), 27-44 doi: 10.22080/jre.2021.20704.1123. (in Persian)
 4. Asadi, Z., & Rashad, A. (2018). the Difference in the criteria of rationality as the most important epistemic origin of the religious diversity. abstract of the papers for the 8th International Conference on the Philosophy of Contemporary Religion "Religious Diversity", holy Mashhad.(in Persian)
 5. Asadi, Z. (2008). *The Fundamentals for the use of Reason in the Discovery of Doctrinal Learnings in view of the Quran and Hadith*. Master's thesis, Tehran: University of Quran and Hadith.(in Persian)
 6. Ayashi, M. (1981). *Tafsir al-Ayashi*. First Edition. Edited by Hashem Rasouli Mahalati. Tehran: Al-Matbaa`a Al-Elamiya.(in Arabic)
 7. Ayatollahy, H. (2022). new possibilities of epistemological externalization for the philosophy of religion and facing the challenge of diversity of religions. *Philosophical-theological researches*, 92, Doi: 10.22091/jptr.2022.7873.2681.(in Persian)
 8. Azimi Dokht, H. (2019). *Meditations on the Nature of Belief and Acceptance in Epistemology*. The Knowledge Studies in the Islamic University, 24(83), 371-386.(in Persian)
 9. Bahrani, . (1995). *The proof in the interpretation of the Qur'an*. First Edition. Compiled by the Department of Islamic Studies, Est. Al-Ba'atha. Qom: Ba'atha Institute.(in Arabic)
 10. Benton, M. (2019). *Religious Diversity and Disagreement*. In "The Routledge Handbook of Social Epistemology", Routledge/Taylor & Francis.
 11. Bokai, M. (1998). *A Comparison between the Torah, the Bible, the Qur'an and science*. second edition, translated by Zabihullah Dabir, Tehran: Islamic culture publishing office.(in Persian)
 12. Buckner, D. E. (2020). *Reference and Identity in Jewish, Christian, and Muslim Scriptures : The Same God?.* Lexington Books, ProQuest Ebook Central.
 13. Daulat, M. A., & Afzali, A. (2014). Comparative history of man's appearance on earth based on the scientific findings and teachings of the Quran and Itrah. *Science and Religion Studies*, 6(12), 15-31. Tehran: Institute for Humanities and Cultural Studies.(in Persian)
 14. Eliade, M. (1964). *The Quest for the Origins of Religion*. In *A History of Religions Ideas*.
 15. Hashtroudi, F. (2008). *Scrolls of the Dead Sea: History and a selection of theories*. Haft Asman, 43, 117-140.(in Persian)
 16. Hick, J. (1987). *Religious Pluralism*. in *The Encyclopedia of Religion*, 1st Edition, ed. Mircea Eliade, Macmillan.(12:331-333).
 17. Hick, J. (1989). *An Interpretation of Religion*, London: Macmillan.
 18. Hick, J. (2010). *Religious Pluralism at A Companion to Philosophy of Religion*, Second Edition, edited by Charles Taliaferro, Paul Draper, and Philip L. Quinn. Blackwell.(710-717).
 19. Hojjati, G. (2018). *Religious disagreement, epistemological review*. Tehran: Ketab-e Taha. (in Persian)

20. Ibn Manzoor, M. (1993). Arabic language. Third edition, Beirut: Dar al-Fekr - Dar Sader.(in Arabic)
21. Jalali, G. (2004). A New Approach to the History of Religions. Islamic Social Research, 1, 161-194.(in Persian)
22. Koleyni, Muhammad. (1986). Al-Kafi (i-Islamiyyah). Fourth edition, Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyyah.(in Arabic)
23. Makarem Shirazi, N. (1995). Sample interpretation. Tehran: Dar al-Kotob al-Islamiyya, first edition. (in Persian)
24. Mesbah Yazdi, M. T. (2014). Qur'an Studies. Vol. 2 (Collection of Qur'an Studies 6), 6th edition, Qom: Publications of Imam Khomeini Education & Research Institute (may God have mercy on him).(in Persian)
25. Miri, M. H. (2014). Investigating the relationship between the semantic plurality of the Quran and the plurality of readings with religious pluralism. Andisheh Novin Dini, 43, 151-166.(in Persian)
26. Motahari, M. (2008). Familiarity with Islamic sciences 1 (logic, philosophy). Tehran: Sadra. (in Persian)
27. Motamedi, M. (2013). the discovery of Naja' Hammadi's Bibles and revision of the official Christian Bibles. Islamic Studies, 65 & 66, 264-251.(in Persian)
28. Noss, J. B. (2008), Man's Religions (A comprehensive history of religions).18th edition,Translated by Ali Asghar Hekmat, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company.(in Persian)
29. Nasiri, A.(2016). Comparative Study of Quran and Holy Bible. Qobsat, 43, 59-87. (in Persian)
30. Pourjavadi, N. (1985). The Discovery that Changed the History of Christianity. Danesh publication, 28, 37-32.(in Persian)
31. Qeraati, M (2008). Tafsir Noor. Vol 8, Tehran: Cultural Center of Lessons from the Qur'an. (in Persian)
32. Qomi, A. I. (1983). Tafsir al-Qomi. Third edition. Edited by Tayyab Mousavi Jazaeri. Qom: Dar al-Kotob al-Islamiya.(in Arabic)
33. Qorbani, Q. (2022). Religions' Plurality and the Searching for Divine Justice. Philosophical Meditations. doi: 10.30470/phm.2022.546049.2147 (in Persian)
34. Rabbani Golpayegani, A. (2016). Religious Pluralism Autopsy, Introduction and Criticism, Book of Criticism, 4, 131-211.(in Persian)
35. Ragheb Esfahani, H. M. (1991). Al-Qur'an Vocabulary. Lebanon - Syria: Dar al-Elm - Al Dar al-Shamiya.(in Arabic)
36. Sadr al-Din Shirazi, M. (2004), Description of Usul al-Kafi (Sadra), First Edition, Tehran: Institute for Social and Cultural Studies. (in Arabic)
37. Safi, M. A. R. (1997). The Table in the Syntax of the Qur'an. 4th edition, Damascus-Beirut: Dar al-Rashid - Est. Al-Iman.in Arabic)
38. Saki, Nancy & Shaker Mohammad Kazem (2015). "The Neglect of Recent Western Studies on Learning the Frequency of the Qur'an", Research of Qur'an and Hadith Sciences, 13, 89-115.(in Persian)
39. Saliba, J., & Sanei Darehbidi, M. (1996). Philosophical culture. first edition, Tehran: Hekmat Publications. (in Persian)
40. Schuon, Frithjof. (1976). Islam and the Perennial philosophy. World of Islam Festival publishing Company Ltd.
41. Soroush, A. K. (2018). Direct Roads. Tehran: Serat Cultural Institute. (in Persian)
42. Tabatabaei, M. H. (1995). Translation of Tafsir al-Mizan. translator: Mousavi Hamdani,S. 5th edition, Qom: Islamic Publications Office of the Qom Theological Seminary Community.(in Persian)